



یکشنبه، ۰۹ جنوری ۲۰۲۲

فرستنده: میر عبدالرحیم عزیز

پیروزی طالبان بازی های سیاسی در آسیا را زیر و رو می کند

دو جبهه در افغانستان یکدیگر را ارزیابی می کنند

نویسنده: JEAN - LUC RACIN

ترجمه: رویا شریفیان

دسمبر ۲۰۲۱

خروج ارتش امریکا از افغانستان، «بازی بزرگ» جدیدی را بین قدرت های سیاسی ای آغاز کرده است که سعی در سازگاری خود با واقعیتهای ژئوپولیتیک منطقه دارند که همچنان در تغییرند.. از دید هندوستان، افغانستان موضوع دشواری است که به سایر اختلافات سنگین با پاکستان و چین اضافه می شود و این در حالی است که دهلی نو روابطش را در حوزه اقیانوس هند- اقیانوس آرام (پاسفیک) در درجه اول با ایالات متحده امریکا مستحکم کرده است .

پس از خروج ایالات متحده و استقرار دولت « امارات اسلامی افغانستان»، پیروزی طالبان موجب تشدید فاجعه انسانی شده است و ملتی فرسوده و خسته از ۴۰ سال جنگ و درگیری، اینک با تهدید شاخه منطقه یی دولت اسلامی (داعش) بنام داعش خراسان مواجه شده است.

دولت های بزرگ در حال هماهنگی خود با واقعیات ژئوپولیتیک در حال نوسان منطقه هستند و در حال حاضر رژیم جدید را در افغانستان را هیچ کشوری به رسمیت نشناخته است. اگر « بازی بزرگ» در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، زمانی که امپراطوری چین به شدت ضعیف شده بود بین امپراطوری های بریتانیا و روس در جریان بود، امروزه کشور چین از قدرتی بی سابقه برخوردار است، بدون این که قادر مطلق باشد.

در مورد هند باید اذعان داشت که بازگشت طالبان آن را در موقعیت حساسی قرار داده است. کشور های مختلف در طول سالها سرانجام بطور رسمی فرستاده های شورشیان را (طالبان) پذیرفتند ولی دهلی نو در جهتی کاملا مخالف حرکت کرد و روابطش را فقط با روسای جمهور حمید کرزای (۲۰۱۴-۲۰۰۱) و اشرف غنی (۲۰۲۱-۲۰۱۴) تثبیت کرد.

حکایت روابط هند و افغانستان به هزاران سال قبل بر می گردد و هیچگاه فراموش نخواهد شد حتی اگر منجر به خشم ناسیونالیست های هندو شود که همواره دورانی که هند تحت « یوغ اسلام» بود را افشاء می کنند. (رجوع شود به ضمیمه «از زمان اسکندر مقدونی» در ادامه این مقاله).

در دوران معاصر، از سال ۱۹۵۰ دو کشور پیمان دوستی ای امضاء کردند که تا سال ۲۰۱۱ ادامه داشت. این پیمان همکاری استراتژیک و به همراه آن گفتگوی سیاسی، همکاری های اقتصادی، فرهنگی، علمی و مبارزه علیه تروریسم را تضمین می کرد. در حال حاضر بیش از ۱۰ هزار بورسیه و ۱۳۰ ارتشی افغانی در دانشگاه ها و آکادمی های نظامی هند به تحصیل مشغولند. دهلی نو ادوات لجستیک و از سال ۲۰۱۸ هلیکوپتر جنگی به کابل تحویل داده است اما هیچگاه نیروی نظامی به افغانستان گسیل نداشته است. فقط گروه های شبه نظامی از سفارت و کنسولگری هند و چند پروژه زیر بنایی در حال ساخت حفاظت می کنند.

یک رویداد بد برای هند:

از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۱ هند قریب به ۳ میلیارد دلار (۲,۶ میلیارد یورو) در پروژه های توسعه در افغانستان سرمایه گذاری کرده است. این پروژه ها، گاهی محلی بودند و گاهی نمادین مانند ساختمان پارلمان و سد برقابی سلما واقع در غرب کشور که اولی در سال ۲۰۱۵ و دومی سال بعد افتتاح شد. پاکستان اما با محاصره، از هرگونه نقل و انتقال زمینی به افغانستان جلوگیری می کند ولی هند با بهره برداری از بندر چابهار در ایران که در سال ۲۰۱۷ افتتاح شد توانست از راه دریایی و پس از آن از طریق زمینی به وسیله بزرگراهی که شهرهای عمده از جمله قندهار و هرات در غرب و کابل و قندوز در شرق را بهم متصل میکند به آسیای میانه دسترسی پیدا کند.

این فرصت از یک سو به هند امکان داد که همسایه خود، پاکستان را دور بزند و از سوی دیگر افغانستان که همواره روابط پر تنش با پاکستان داشت که غالباً به خشونت منجر میشد توانست امکان مانور بیشتری بدست آورد. آقای حمد اله محب مشاور امنیت ملی افغانستان کمی قبل از سقوط رژیم گفت: « امروزه همسایه ما (پاکستان) که اهداف شوم آن بر افغانها و کل جهان آشکار است با استفاده

ابزاری از یک گروه تشنه قدرت، بار دیگر موجب تضعیف افغانستان شده است» (۱). این اظهارات خشم اسلام آباد را برانگیخت.

روی کار آمدن طالبان رویداد بسیار بدی برای هند و به نفع تحرکات پاکستان است زیرا نه فقط کاهش نفوذ هند در افغانستان را در پی دارد بلکه موجب تقویت گروه های جهادی پاکستانی ای میشود که کشمیر را مورد هدف قرار داده اند. گروه هایی چون لشکر طیبه و جیش محمد که روابط دیرینه ای با اربابان جدید کابل دارند.



معدالک دهلی نو تصمیم گرفت که بطور علنی با طالبان وارد گفتگو شود. در ژوئن ۲۰۲۱، زمانی که پیشروی طالبان محرز شد، ارتباطاتی در دوحه صورت گرفت و اولین ملاقات رسمی در اول سپتامبر ۲۰۲۱ انجام شد. مخاطب سفیر هند در قطر، شیر محمد عباس ستانکزی، یکی از اعضای مذاکره کنندگان توافق بین امریکا و طالبان در فروری ۲۰۲۰ بود (۲) که در دولت موقت امارات اسلامی افغانستان در تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۲۰ به سمت معاون وزیر امور خارجه منتصب شد.

وی پیش از این ملاقات، با اطمینان خاطر گفته بود که «مایل است کشورش روابط فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی را به روال سابق با هند ادامه دهد» (۳). مدت زمانی بعد، در حاشیه کنفرانس بین المللی مسکو در اکتبر ۲۰۲۱، عبدالسلام حنفی معاون صدر اعظم طالبان طی یک جلسه دو جانبه با یک مقام عالیرتبه وزارت امور خارجه هند و مسئول منطقه پاکستان-افغانستان-ایران بر این موضع تاکید کرد. اگرچه توجیه هند برای این تبادل نظر ها کمک های انسان دوستانه است، ولی در واقع دغدغه او آینده کشمیر است. طالبان تاکید کردند که اصولا در امور داخلی کشورهای

دیگر مداخله نخواهند کرد و به جهادگران هند نخواهند پیوست. بنا بر گفته آنها، این تفکر که شبکه قدرتمند حقانی - یک گروه اسلامگرای مسلح و دارای هزاران جنگجو- مسئول حملات به منافع هند در افغانستان است و با لشکر طیبیه و جیش محمد همکاری دارد بیشتر تبلیغات سیاسی است (۴). اما بخش دیگری از طالبان در مخالفت با این عقیده و البته بدون درگیری در عملیات مسلحانه می گویند که وظیفه دولت امارات اسلامی افغانستان « رساندن صدای مسلمانان کشمیر به گوش جهانیان است» (۵). این خود حاکی از وجود ابهاماتی در درون طالبان است. در این بین سایه سنگین پاکستان که از بازگشت طالبان بسیار خشنود است محسوس می باشد.

در واقع پاکستان بی نظیر بوتو (صدر اعظم در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۳ و ۱۹۹۰-۱۹۸۸) برای تضمین نفوذ کشورش و تقابل با هند و دسترسی به راهی مطمئن برای حضور در آسیای مرکزی، حامی افغانستان از نقطه نظر ژئوپولیتیک و نه ایدئولوژیک بود به امید اینکه ثباتی در این کشور برقرار شود. در سال ۱۹۹۷ پاکستان در کنار امارات متحده عربی و عربستان سعودی سه کشوری بودند که امارات اسلامی را به رسمیت شناختند. پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، پاکستان پذیرای روسای این گروه شد و پایگاهی در اختیار رزمندگان آن در مناطق قبیله ای هم مرز افغانستان قرار داد. اخیرا نیز، پاکستان در برقراری گفتگو بین طالبان و امریکایی ها در دوحه نقش بسزایی داشت در حالی که روابطش با دولت اشرف غنی و نخست وزیر هند نارندرا مودی که خود مختاری جامو و کشمیر را لغو کرده بود (۶) مغشوش شده است.

گفتمان پاکستان خالی از نکات ظریف نیست، این کشور در وضعیت اقتصادی سخت به سر می برد و در حال مذاکره برای دریافت یک وام از بانک جهانی است و همچنان در لیست خاکستری گروه ویژه اقدام مالی (FATF) قرار دارد که تامین مالی تروریسم را رصد می کند. در چنین شرایطی عمران خان نخست وزیر موضعی دوگانه اتخاذ کرده است. از یک طرف همسو با اجماع بین المللی، طالبان را به تشکیل یک دولت فراگیر، احترام به حقوق بشر و بخصوص حقوق زنان دعوت می کند و از طرف دیگر از دولتهای غربی می خواهد که رژیم جدید را در انزوا قرار ندهند، به او فرصت دهند تا به پیمان همکاری با سایر گروه ها عمل کند و دارایی های بانک مرکزی افغانستان که در بانک های امریکا و اروپا بلوکه شده و بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار است را آزاد کنند.

در پشت این سخنان دو دغدغه اصلی وجود دارد: نگرانی از موج جدید مهاجرت به سوی پاکستان بعلت شرایط فعلی افغانستان (در سالهای ۱۹۹۰ پاکستان میزبان ۳ میلیون افغان شد و در حال حاضر

خط مرزی دیووند مسدود است) و دیگر این که طالبان افغان مانع عملیات برادران پشتون خود یعنی جنبش « تحریک طالبان پاکستان » شوند. این گروه که سرکوبی را از سر گذراندند که ۵ سال پیش اسلام آباد به آنها تحمیل کرده بود، از سال ۲۰۲۰ سوء قصد علیه نیروهای امنیتی پاکستان و اقلیت شیعه را از سر گرفتند. طالبان افغانستان برای آرام کردن شرایط در نقش میانجی بین طالبان پاکستان و نمایندگان عمران خان ظاهر شدند و بدنبال یک آتش بس و احتمالاً یک پوزش هستند که البته با انتقادات شدید در پاکستان مواجه است (۷). خطر دیگر برای پاکستان، داعش خراسان است که در اسلام آباد به آن توجه جدی می شود هر چند که رژیم جدید افغانستان علی رغم عملیات تروریستی متعدد مرگبارش، آنرا کوچک و کم اهمیت می شمارد. سفر رئیس سازمان اطلاعات پاکستان (آی اس آی) در تاریخ ۵ سپتامبر یعنی دو روز قبل از اعلام حکومت جدید در افغانستان بیانگر روابط محکم بین دو طرف است. جایگاهی که شبکه حقانی نزدیک به اسلام آباد در دولت طالبان دارد گواهی بر این امر است. اگرچه بعضی از رهبران طالبان کمتر تحت نفوذ پاکستان هستند، ولی در حال حاضر دولت امارات اسلامی از امکانات محدودی برای مانور برخوردار است.

وحشت گسترش تروریسم:

مفهوم (اف - پاک Af-Pak مخفف افغانستان- پاکستان) که در اوایل سالهای ۲۰۱۰ در زمان باراک اوباما شکل گرفت تأکیدی است بر این مطلب که این دو کشور در یک نمایش بر صحنه تئاتر استراتژیک واحدی شرکت دارند. این مفهوم هنوز هم کاربرد دارد و اسلام آباد بعنوان یک عامل اجتناب ناپذیر حتی برای واشنگتن باقی مانده است (۸). پاکستان یکی از عوامل الزامی است اگر چه محور اصلی امریکا به سمت هند- پاسیفیک و به نفع هند می چرخد که این خود پیشرفت روابط پاکستان- امریکا را ناپایدار می کند.

بازیگران اصلی خارج از افغانستان، در مورد انتظارات از رژیم جدید اهداف همسانی دارند ولی فعالیت طولانی و مستمر وساطت بین المللی برای ایجاد یک گفتگو بین گروه های افغان از جمله «اقدامات استامبول» که در سال ۲۰۱۱ آنرا « قلب آسیا» نامیدند یا کنفرانس های متعدد در مسکو با نمایندگان طالبان به شکست انجامید در حالی که این یکی از تعهدات طالبان در توافق دوحه بود. همه خواستار یک حکومت فراگیر و احترام به حقوق بشر هستند ولی در واقع ورای این درخواست، ملاحظات امنیتی و ترس از گسترش مجدد تروریسم، اتفاق نظری بین همه به فراخور روش های ملی هر کشور بوجود آورده است.

روسیه و همسایگان شمالی افغانستان از تسری داعش خراسان در منطقه آسیای مرکزی با بهره گیری از جنبش هایی نظیر جنبش اسلامی ازبکستان بیمناک هستند. چین در پی اضمحلال حزب اسلامی ترکستان است که ارگان اویگور های جدایی طلب می باشد و در استان افغانی بدخشان حضور دارد. ایران طالب کاهش تهدیدات داعش خراسان و سنی های جند الهگ در استان سیستان و بلوچستان واقع در مرز پاکستان و افغانستان است. عربستان سعودی، امارات متحده عربی و واشنگتن خواستار جلوگیری از پیشرفت داعش هستند.

در راستای برقراری امنیت، از جمله مبارزه با قاچاق تریاک، دسترسی به منابع غنی معدنی افغانستان (خصوصاً مس) بسیار استراتژیک لیتیم) نقشه های متعددی ترسیم می شود که بازتاب آنرا در جلسات بین المللی در ماه اکتبر می بینیم. در تاریخ ۲۰ اکتبر مسکو جلسه ای با حضور طالبان و چینی ها، پاکستانی ها، ایرانی ها، قزاق ها، ترکمن ها و ازبک ها برگزار کرد (۹). امریکا اما به این دعوت پاسخ مثبت نداد ولی هند حضور داشت و متعهد شد کمک های بشردوستانه به افغانستان ارسال کند. ولی در کنفرانس تهران بنام «همسایگان افغانستان» هند دعوت نشده بود. (شرکت کنندگان: ایران، چین، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و روسیه) (۱۰).

کمی قبل تر، در تاریخ ۱۲ اکتبر، هند نظریاتش را با تکیه به قطعنامه ۲۵۹۳ شورای امنیت سازمان ملل که در تاریخ ۳۰ اکتبر به ریاست هند تصویب شده بود در نشست سران کشورهای گروه ۲۰ که به موضوع افغانستان اختصاص داده شده بود اعلام کرد. آقای مودی گفت با بازگشت طالبان به چالش های پیش رو باید «یک پاسخ بین المللی واحد» داده شود که همان موضوعات همیشگی است (دفع تروریسم، دولت فراگیر، احترام به حقوق بشر). هند خشنود است که «خطر تروریسم» از دید او پاکستان را هم شامل می شود.

دو گانگی فزاینده:

عده ای بر این باورند که گذشته از گفتمان سیاسی، در زمان مناسب، چین بهترین گزینه برای سرمایه گذاری در افغانستان است زیرا وی تمایل دارد که در جاده ابریشم جدید که از آسیای مرکزی و کریدور اقتصادی چین- پاکستان می گذرد افغانستان را هم بگنجانند. چین هم سرمایه لازم را داراست و هم به منابع معدنی افغانستان چشم دارد. حتی قبل از تسخیر کابل، طالبان اطمینان خاطر داده بود که در امور داخلی چین دخالت نمی کند (اشاره به اویغور های سین کیانگ) (۱۱). آقای وانگ یی

وزیر امور خارجه چین در اواخر ژوئیه، ملا عبدالغنی برادر، از موسسان گروه طالبان را که ریاست دفتر سیاسی را بعهدہ داشت به حضور پذیرفت. گفتگوها در ماه اکتبر در دوحه با آقای برادران که به سمت معاون اول رئیس الوزرای طالبان منصوب شده بود ادامه یافت.

هندوستان نیز ورای چین که روابط پر جنجالی با آن دارد و آخرین برخورد های مرزی بین دو کشور در سال ۲۰۲۰ اتفاق افتاد (در هیمالیای شرقی و ۲۰ کشته هندی بجای گذاشت)، به تحول روابطش با دو شریک اصلی یعنی روسیه و ایران می اندیشد. روابط مستحکم با مسکو که بوسیله معاهده دوستی و مودت که در سال ۱۹۷۱ امضاء شده بود، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به قوت خود باقی ماند. روسیه ولادیمیر پوتین رابطه دیپلماتیک و نظامی گسترده ای با هند دارد و تامین کننده اساسی سلاح این کشور است که حتی با کاهش واردات هند از روسیه در سالهای ۲۰۲۰ الی ۲۰۱۶ هنوز سهم ۴۹٪ را به خود اختصاص می دهد. در همین دوران دهلی نو به واشنگتن، و مسکو به اسلام آباد نزدیک شده اند. این تفکر که شراکت استراتژیک هند و روسیه از بین رفته است، اغراق آمیز است زیرا اولین گفتگوی دو جانبه بین وزارتخانه های دفاع و امور خارجه اعلام شده است و هند در تدارک استقبال از آقای پوتین در ماه دسامبر است (۱۲).

در مورد ایران، توسعه بندر چاه بهار که با سرمایه مشترک ایران و هند ساخته شده است می تواند بعد از لغو تحریم های ایالات متحده علیه این پروژه که برای افغانستان بسیار مهم است، ادامه یابد. تحت فشار دولت ترامپ، دهلی نو واردات نفت و گاز خود را از ایران کاهش داد. تهران هم معتقد است که تمایلات اسلام – ناسیونالیستی طالبان شرکتمند و قابل قبولی است و آنها میتوانند سپری در مقابل داعش خراسان باشند. در عین حال تهران برای رعایت ظاهر، خواستار احترام به شیعیان هزاره است ولی چشم خود را به رفتار بدی که با این اقلیت در جای جای افغانستان می شود می بندد.

روان بودن اوضاع مانع از اقدامات ساختاری نیست. چین و ایران در ماه مارچ ۲۰۲۱ قرارداد همکاری ۲۵ ساله را امضاء کردند که بمثابة یک شراکت استراتژیک است و راه را برای پیوستن ایران به پروژه جاده ابریشم که بسیار برای آقای شی جین پینگ ارزشمند است باز می کند. مع ذلک توافق با چین مانع از این نشد که آقای رئیسی رئیس جمهور ایران که چند روز قبل از سقوط کابل قدرت را بدست گرفت تمایل گسترش روابط با هند را به وزیر امور خارجه این کشور سوبر امانیام جایشانکار ابراز کند. ایران مایل است که در تثبیت اوضاع افغانستان نقش سازنده ای ایفا کند. اما قابل پیش بینی نیست که تا چه حد این امر امکان پذیر باشد.

واضح است که هندسه بازیگران اصلی، در افغانستان پساامریکا، به ضرر هند است. بی شک گفتگوی چهار گانه (QUAD) گروه کواد به انگلیسی) حول محور امنیت بعد از نشست رهبران عضو (ایالات متحده، جاپان، هند و استرالیا) در ۲۴ سپتامبر گذشته در واشنگتن و اتخاذ مواضع و اعلام بیانیه مشترک در مورد افغانستان موجب استحکام بیشتر این گروه شد. ولی ممکن است کواد غیر رسمی دیگری متشکل از چین، روسیه، ایران و پاکستان ظاهر شود (CRIP) گروه کریپ به انگلیسی) که فصل مشترک آن ضد امریکایی بودن است (البته امری مبهم در مورد پاکستان). این گروه را خواست های مشترکی نیز بهم پیوند می دهد: درخواست از بانک جهانی و کشور های غربی و صندوق بین المللی پول برای واریز پول به رژیم جدید افغانستان، مخالفت با استقرار پایگاه های امریکایی برای مبارزه با داعش خراسان، نگرانی بخصوص مسکو از خطر داعش و سایر جنبش های اسلامی آسیای مرکزی که به درجات مختلف می توانند با یکدیگر متحد شوند.

در حاشیه اجلاس سازمان همکاری شانگهای که در ۱۷ سپتامبر برگزار شد (هند هم در آن شرکت کرده بود) این کشورها در یک بیانیه مشترک تصریح کردند: « کشور هایی که باید مسئولیت اولیه بازسازی اجتماعی، اقتصادی دوران پس از جنگ در افغانستان را به عهده بگیرند (منظور کشور های ناتو) ملزم به فراهم نمودن کمک های اقتصادی و بشر دوستانه اضطراری مورد نیاز افغانستان هستند». آنها « بر ضرورت هماهنگی تلاشها، جهت مقابله با تهدیدات گسترش تروریسم و قاچاق مواد مخدر» تاکید کردند (۱۳). اوضاع با صدور بیانیه رسمی از طرف کواد دیگری متشکل از امریکا، هند، اسرائیل و امارات عربی پیچیده تر شد. این نشست اقتصادی که در مورد همکاری های امنیتی دریایی بود، به زعم آقای جایشکار وزیر امور خارجه هند به «مسائل کلی» هم پرداخت. فردای آن جلسه روزنامه وزین (هندو-The Hindu) در سرمقاله خود هند را به رعایت احتیاط دعوت کرد و چنین نوشت: « هند باید توجه کند که درگیر مناقشات متعدد خاورمیانه نشود. اختلافات بین ایران و این جبهه جدید شدید است. هند که خود را درحوزه هند - پاسیفیک در جبهه امریکا قرار داده است، باید با نا امنی روز افزون در آسیای مرکزی، پس از خروج افغانستان مواجه شود. هند باید همکاری نزدیکی با کشور هایی چون ایران داشته باشد تا بتواند با مشکلات افغانستان پسا امریکا مقابله کند» (۱۴).

واضح است که با تشدید اختلافات ها بین واشنگتن و بیژینگ و همچنین واشنگتن و مسکو، گسست های ژئوپولیتیک و یک دو گانگی فزاینده آشکار می شود. اوراسیا چین - روسیه و هند- پاسفیک تحت رهبری امریکا. در واشنگتن آراء و عقاید جمهوری خواهان خواستار یک اتحاد واقعی با دهلی نو است: «تنها شریکی که قادر است مراقب دامنه جنوبی چین باشد» (۱۵). در پاسخ، چین به تمسخر می گوید: «اگر هند به ایالات متحده بپیوندد، در نهایت در موقعیت فعلی فرانسه قرار می گیرد» (۱۶). اشاره به پیدایش اتحاد استرالیا- بریتانیا - ایالات متحده (اوکاس به انگلیسی). [لغو فروش زیر دریایی های فرانسه به استرالیا که وزیر امور خارجه فرانسه آنرا خنجر زدن از پشت ارزیابی کرد - مترجم].

در حال حاضر هندوستان چندان از پیمان جدید خشنود نیست و نمی خواهد بطور رسمی در مقابل کشور هایی که همگی شرکای او هستند جبهه گیری کند ولی به نظر می رسد خود را با ابعاد نظامی اتحاد جدید تطبیق میدهد و این پیامی است که به چین ارسال می کند.

به غیر از مسائل مطروحه در اتحاد اوکاس، دولت بایدن روابط خود را با هند علی رغم بعضی اختلافات (بازرگانی، خرید اسلحه از روسیه) به جلو ببرد. دیدارهای مکرر در سطوح بالا در واشنگتن و دهلی نو و تاکید بر مفهوم «شراکت» و اطلاعیه طولانی که در پی ملاقات بین رئیس جمهور امریکا و آقای مودی در ماه سپتامبر صورت گرفت، این اتحاد را محکم تر کرد (۱۷).

ارجحیت با روابط چند جانبه است:

در مقابل این پویایی و تکاپوی پیچیده، هند به فعالیت خود ادامه می دهد. به غیر ارتباط با ایالات متحده، او همچنان به روابطش با روسیه ادامه می دهد و در آسیای مرکزی هم تماس هایش را پیگیر است. در ماه سپتامبر در نشست همکاری های شانگهای در تاجیکستان و در کنفرانس تعامل و اعتماد سازی آسیا در قزاقستان، آقای جایشانکار وزیر خارجه هند با برخورداری از امکانات نظامی محکم، ارتباطات متعددی برقرار کرد. او به تعامل با همتا های خود در آسیای مرکزی و همچنین ایران و چین پرداخت. در ماه اکتبر پایتخت هند میزبان قرقیزستان در یک کنفرانس استراتژیک بود. و سرانجام سومین جلسه گفتگوی امنیت منطقه یی در دهلی نو در مورد افغانستان در ۱۰ نوامبر با حضور روسیه، ایران و پنج جمهوری آسیای مرکزی تشکیل شد. پاکستان به علت مواضع رسمی ضد هند، دعوت را نپذیرفت و چین به دلیل مسائل مربوط به زمانبندی در این جلسه شرکت نکرد. ولی فردای آنروز برای یک ملاقات سه جانبه در اسلام آباد با حضور روسیه، ایالات متحده و

پاکستان (بدون هند) حاضر شد. چه حسن تصادفی زیرا ملا امیر خان متقی وزیر امور خارجه افغانستان نیز به مدت سه روز در اسلام آباد بود و تمام ملاقاتهای دو جانبه انجام پذیرفتند.

در خاتمه باید گفت که افغانستان طالبان مانند آینه بزرگنمایی است که تمام تضاد های نظم کنونی را منعکس می کند. همه (کم و بیش صادق) صحبت از حکومت فراگیر می کنند ولی در حال حاضر امارات اسلامی آنرا نمی پذیرد. خطر تجدید قوای تروریسم است. افغانستان پسا امریکا بدین معنی نیست که جهان پسا امریکا شده است. ولی منافع ملی، تنش های منطقه ای، و جاه طلبی های قدرت های بزرگ چون امریکا، چین و روسیه نشان میدهد که روابط چند قطبی رقابتی چه در مورد امارات اسلامی افغانستان و یا حوزه هند و پاسیفیک جای خود را به روابط چند جانبه داده است.

از زمان اسکندر مقدونی:

پیشینه طولانی هند و افغان را، علی رغم جهش ها و افت و خیز های معاصر نباید از یاد برد. اسکندر مقدونی در قرن چهارم قبل از میلاد به این کشور لشکرکشی کرد و بنیان گذار دولت هندی- یونانی شد. یک قرن بعد فرهنگ غنی یونانی- بودایی در باختران - محل امروزی افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان - تحت نفوذ امپراطوری مائوریا تا سرزمین های گنگ گسترش پیدا کرد. طالبان با نابود کردن بودا های بامیان در سال ۲۰۰۱ بطور نمادین این فرهنگ را از بین بردند.

پیدایش اسلام در این سرزمین که محل تلاقی تمدن های هندی- یونانی- پارسی است به قرن هفتم میلادی برمیگردد. سلطان محمود غزنوی سپاه و جنگجو روانه هند کرد و از قرن سیزدهم میلادی امیر نشین های متعددی پا گرفتند. ناسیونالیست های هندو امروزه آنرا دوران تفوق اسلام در کشورشان می دانند که نقطه عطف آن در سال ۱۵۲۶ بود که بابر، یکی از تیموریان، سلسله مغول را پایه گذاری کرد.

پس از آن دوران هجوم راج بریتانیا - حکومت امپراطوری بریتانیا بر هند- است که باعث بروز سه جنگ افغانی انگلیسی در سالهای ۱۸۴۲-۱۸۳۹ و ۱۸۸۰-۱۸۷۷ و ۱۹۱۹ شد. [راج در زبان سانسکریت به معنی حکومت است - مترجم]. افغانستان با الحاق جوئی*، به «گورستان امپراطوری ها» تبدیل شد تا سر انجام در سال ۱۹۱۹ به استقلال کامل دست یافت.

در سال ۱۹۵۰ هند استقلال یافته و افغانستان معاهده پیمان دوستی را امضاء کردند. روابط با ظاهر شاه حسنه بود تا کودتای ۱۹۷۳ که وی خلع ید شد. اگر دولت هند در سال ۱۹۷۹ اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی را توجیه کرد، ده سال بعد، پس از خروج ارتش سرخ با دفاع از اتحاد شمال به رهبری شاه مسعود دوباره به صحنه بازگشت. ولی تسخیر قدرت بدست طالبان در سال ۱۹۹۶ هند را به نفع پاکستان در انزوا قرار داد تا سال ۲۰۰۱ و مداخله امریکایی ها و به قدرت رسیدن حمید کرزای که تحصیلات عالی خود را در هند بپایان رسانده بود. در آن دوران همکاری و توسعه روابط دو کشور از سر گرفته شد. اما بازگشت طالبان در سال ۲۰۲۱ مجدداً هند را در موقعیت حساسی قرار داده است...

*الحاق جوئی و بازپیوند خواهی، جنبشی سیاسی قومی یا ملی در کشوری است که خواهان بازگرداندن سرزمینی با مشترکات زبانی و فرهنگی و قومی است که ضمیمه خاک کشور دیگر است.

۱- « Qureshi strongly reacts to Afghan NSA Mohib's remarks », Tolo News, Kaboul, ۶ juin ۲۰۲۱.

۲- مقاله «امریکا سرشکسته و بی افتخار افغانستان را ترک می کند»، لوموند دیپلماتیک آوریل ۲۰۲۰ <https://ir.mondediplo.com/۲۰۲۰/۰۴/article۳۳۹۶.html>

۳- « Want to continue our political, trade ties with India : Taliban leader Stanekzai », The Hindustan Times, New Delhi, ۲۹ août ۲۰۲۱.

۴- « Haqqani network scion Anas Haqqani says taliban won't "interfere" in Kashmir, clarifies Pakistan connection », News ۱۸, New Delhi, ۱er septembre ۲۰۲۱.

۵- « Afghanistan : Taliban says it will "raise its voice for Kashmir muslims" », BBC, ۳ septembre ۲۰۲۱.

۶- Lire Vaiju Naravane, « Au Cachemire, l'hindouisme sabre au clair », Le Monde diplomatique, octobre ۲۰۱۹.

۷- Cf. « Govt reaches understanding with TTP for temporary truce », Dawn, Karachi, ۵ novembre ۲۰۲۱.

۸- Cf. Daniel S. Markey, No Exit from Pakistan. America's Tortured Relationship with Islamabad, Cambridge University Press, ۲۰۱۳ ; Zahid Hussain, No Win War. The Paradox of US-Pakistan Relations in Afghanistan's Shadow, Oxford University Press, ۲۰۲۱.

- 9- « Joint statement of the participants in the Moscow format consultations on Afghanistan », ministère des affaires étrangères russe, Moscou, 20 octobre 2021.
- 10- « Joint ministerial statement of meeting of foreign ministers of Afghanistan neighboring countries + Russia », ministère des affaires étrangères iranien, Téhéran, 27 octobre 2021.
- 11- Cf. « Afghanistan's taliban, now on China's border, seek to reassure Beijing », The Wall Street Journal, New York, 1 juillet 2021.
- 12- Rajeswari Pillai Rajagopalan, « Why Russia is no longer a strategic ally for India in new bipolar world led by US and China », The Print, New Delhi, 9 avril 2021.
- 13- « Joint statement on the results of the meeting of Russia, China, Pakistan and Iran on the margins of the SCO and CSTO summits in Dushanbe », ministère des affaires étrangères chinois, Pékin, 17 septembre 2021.
- 14- « The other Quad : On virtual meet of foreign ministers of India, US, Israel and UAE », The Hindu, Chennai, 20 octobre 2021.
- 15- Nikki Haley et Mike Waltz, « It is time to formalize an alliance with India », Foreign Policy, Washington, DC, 20 octobre 2021
- 16- Qian Feng, « Alliance with US will crush India's great power fantasies », Global Times, Pékin, 1er novembre 2021.
- 17- « US-India joint leaders' statement : A partnership for global good », Maison Blanche, Washington, DC, 24 septembre 2021